فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۹، صص ٤٥٨-٤٤٧
New Period 4, No 29, 2020, P 447-458
ISSN (2476-7018) شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸)

لالایی‌های منطقه‌ی زرین دشت فارس

حلیمه پارسه[۱]. محمود مریدی[۲]
۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی – محض، دانشگاه جهرم، ایران
۲. کارشناس ارشد تاریخ، ایران باستان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد داراب، ایران

چکیده
لالایی‌هاگونه‌ای از ادبیات کودکان است و کاربردی هستند و هنگام آرامش بخشیدن به کودک او را از دنیای بیداری به دنیای خواب می برد. لالایی‌های منطقه‌ی زرین‌دشت فارس گونه‌ای دیگر از ادبیات عامیانه است که زنان و مادران این منطقه برای کودکان و نوزادان خود ساخته و خوانده اند و بیشتر بیانگر دردهای درونی و گرفتاریهای زندگی و خواسته‌ها و آرزوهای فردی و خانوادگی است که سینه به سینه به نسل های بعد منتقل شده‌است. وقتی مادری با سوز و گداز برای نوزاد خود لالایی می‌خواند در حقیقت یک لالایی صرف و شعر ساده نیست که خوانده می‌شود؛ بلکه حرف‌های دل یک مادر که به بهانه لالایی بیرون ریخته می‌شود و سبک می گردد.
از ویژگی‌های لالایی این منطقه این است که سرایندگان آن شاعران رسمی نبوده اند و بیشتر در بحر هزج (مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن) سروده شده‌اند. موارد زیر را می توان از مضامین لالایی‌های این منطقه برشمرد: آرزوها و آرمان‌های مادرانه، ناله و شکوه و شکایت‌ها،دعای سلامتی فرزند و آرزوی بزرگ شدن وی، بهره‌مند شدن از عمر دراز، مانند کردن کودک به گل‌ها، ترساندن کودک از لولوی صحرایی و...

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودکان، زرین‌دشت، شعر غیررسمی، فارس، لالایی‌ها

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

مقدمه

شهرستان زرین‌دشت با مرکزیت شهر حاجی‌آباد در جنوب شرقی استان فارس قراردارد، مردم این شهرستان فارس‌زبان ولی بیشتر مردم شهر دبیران که یکی از شهرهای این منطقه است عرب زبان و از اعراب خمسه ساکن در استان فارس هستند همین طور مناطقی مثل درواء، تل ریگی، گلوگاه و ساچون که از روستاهای این شهرستان به شمار می‌روند؛ ترک زبانند.

بخش مهمی از ادبیات عامیانه هر قومی را لالایی‌ها تشکیل می‌دهند لالایی بنابر گفته فرهنگ معین آوازی که مادران و دایگان برای خواباندن طفل شیرخواره خوانند (معین، ۱۳۸۰: ۳۵۳۶)

لالایی‌ها مانند همه‌ی انواع ادب عامه، سرشار از زندگی و واقعیتهای آن می‌باشد. مادر در لالایی ضمن نوازش کودک و تشبیه او به زیباترین مظاهر طبیعت و زندگی، از جور دنیا شکایتها و از همراهی زمانه شادیها می‌نماید. او همه زیباییها را به فرزند نسبت می‌دهد وهمه خوبیها را برای او می‌خواهد. (عمرانی، ۱۳۸۱: ۳۱)

معمولاً لالایی‌ها سخن‌هایی موزون هستند که توسط افراد نامشخصی در جامعه به وجود آمده اند .می‌توان لالایی جزء اشعار کهن و هیجانی به شمار آورد چون دارای وزن مشخص نمی باشند و از اوزان عربی پیروی نمی‌کنند.

در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه، ترانه‌ها جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. آن‌ها آفریده‌ی ذهنی توده‌ی مردم بوده، در میان آنان شکل گرفته و مطابق با فرهنگ‌ها، اقوام، زبان‌ها و متناسب با شرایط اجتماعی دگرگونی‌هایی پذیرفته‌اند. (جمالی، ۱۳۸۷: ۳۰)

کم‌توجهی پژوهشگران به ادبیات عامیانه این منطقه به ویژه شعرهای لالایی باعث شده این گونه ادبی به فراموشی سپرده شود. نوشته حاضر شاید بتواند باعث توجه به این‌گونه شعرها شود و تا حدودی از فراموش شدن این نوع ادبی در این منطقه جلوگیری کند.

لالایی‌ها

واژه لالایی در فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های مختلفی شامل «لالای لای، لالا، لالای، لولو، نی‌نا، نانا، بوبو، دودو»آمده‌است. (احمدپناهی، ۱۳۸۳:۲۰۸)

لالایی‌ها اگر بدون نوای ویژه‌ی خود خوانده شوند هرگز بار خود را ندارد و به خاطر همین است که آنها را اگر بخواهیم لمس و احساس کنیم باید با نوای خوش خودشان بخوانیم تا بتوانیم تأثیر و نفوذ حیرت انگیزشان را بر جان و روان کودک تشخیص دهیم.نوایی بسیار آرام، سنگین، سیال و در بسیاری از اوقات اندوهناک که بار موسیقایی‌شان آن‌چنان است که ذهن کودک را به سکونی دلنشین رهنمون می شود، پندار راز افسونگرانه‌ای که در قصه‌ها نهفته، در آهنگ لالایی‌ها نیز موج می زند. کلمات و آهنگ و بار عاطفی آن،کودک را به دروازه‌های خواب می‌برد.خوابی شیرین و رؤیایی بر بستری از تار و پود قلب و صدای قلب مادر وچون جای غنودن کودک در ننی یا گهواره بوده است که با حرکت آرام، مستمر،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

لاینقطع؛ یکنواخت و متوازنش بر تأثیر آن افزوده می‌شده جسم کودک نیز بی‌بهره نمی‌مانده است و هماهنگی و توأمانی شعر با نوا که از خصایص موسیقی‌های ایران پیش از اسلام بوده از ریشه دار بودن وکهن بودنشان حکایت می‌کند. نکته مهم این است که با همه زیبایی‌ها و دلکشی‌ها، اگر یک لای‌لای بدون آهنگ خوانده شود هرگز نمی‌تواند با ذهن و روان کودک رابطه حسی و عاطفی و درونی برقرار کند و بر جان او تأثیر بگذارد. نحوه بیان کلمات و جانی که به هنگام خواندنشان در آنها دمیده می‌شود و حال خواننده نیز بسیار حائز اهمیتند چه بسیار دیده و شنیده‌ایم از مادرانی که به هنگام لالایی برای فرزندشان آن‌چنان تحت تأثیر متن و آهنگش قرار می‌گیرند که در فاصله‌ی مصراع‌ها یا می‌گریند یا آه می‌کشند یا سکوتی سنگین که همراه با صدای حرکت گهواره یا ننی است بر آنها حاکم می‌شود. (همایونی، ۱۳۹۱: ۶۲)

کودک صدا و لحن گرم و گیرای مادر را از میان همه صداها تشخیص می‌دهد و با آن انس می‌گیرد. همان طور که گرمی مطبوع تن و بوی جان‌پرور بدن مادر و ضربان قلب او را حس می‌کند صدای او نیز در میان همه‌ی صداها تمیز می‌دهد.

حرکت منظم گهواره یا ننی، شنیدن آوای محزون، گوشنواز و عاشقانه مادر که از تمتم وجودش مایه می‌گیرد، آرامشی به کودک می‌بخشد که وصف‌شدنی نیست.

آهنگ این لالایی‌ها مهربان، نرم، احساساتی و آرام‌بخش است و مضمون آنها ساده و روشن و بی‌پیرایه است که مادر به همراه امواجی نامرئی، به طور مستقیم و بی واسطه برای فرزند خود می فرستد. صدای مادر با آن جوهر که دارد در تن و جان کودک اثر می‌گذاردکه یک رابطه و حسی بی‌زبان و توصیف‌ناپذیر بین آن دو به وجود می‌آورد. (انجوی و ظریفیان، ۱۳۷۹: ۳۵)

لالایی گونه‌ای از ادبیات کودکان و از جنس ادبیات موقعیتی است. لالایی‌ها کاربردی هستند و تنها هنگام آرامش بخشیدن به کودک او را از دنیای بیداری به دنیای خواب می‌برند. کسی نمی‌داند که دیرینگی این آوازهای آهنگین به کجا می رسد. آیا انسان‌های غارنشین یا جنگل‌نشین برای خواباندن کودکان خود لالایی می‌خوانند؟بی‌گمان آن‌ها می‌دانستند که باید کودک را از گزند حشرات و جانوران آزاردهنده، سرمای خاک و سنگ ایمن نگه دارند. ننو یا گهواره بهترین ابزار نگه‌داری کودک بوده است. ننو تختی جنبان است که جنبش آونگ‌وار آن، آرامش و خواب می‌آورد و لالایی‌ها در کنار همین ننوها پدیدآمده‌اند. صدای مادر یا دایه که در آغاز آهنگ دستوری یا نوازش داشته با گذشت زمان، آهنگین شده و به شکل لالایی در آمده‌است.

این نغمه‌ها که با صدایی آرام و اندوهناک خوانده‌می‌شود، همراه با جنبش گهواره برای کودک حالت خواب‌آور دارد. یکی از پژوهشگران می‌گوید: هنگامی که مادر، فرزندش را می‌خواباند، در حقیقت می‌خواهد یکی از حواس او را از کار بیندازد، می‌خواهد چشم‌های کودک بسته شوند تا به خواب رود. کودک اما برای این‌که با آرامش خاطر چشم‌هایش را ببندد، باید از حضور مادریعنی نماد تمام امیدها در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

کنار خود اطمینان یابد. مادر با خواندن لالایی، حضور خود را به فرزند می‌فهماند و از او می‌خواهد که چشم‌هایش را ببندد و تنها با شنیدن صدای مادر، بودن او را در کنار خود احساس کند. در حقیقت، لالایی نشانه‌ای است که مادر با آن به فرزندش می‌گوید: من هستم، نگران نباش. صدای مرا بشنو و چشم‌هایت را ببند و آرام بخواب.

درون‌مایه لالایی‌ها، از دنیای ذهنی مادران (زنان) تأثیر بسیار پذیرفته است. ناب‌ترین گونه ادبیات زنانه که درباره و برای کودکان پدید آمده، لالایی است. (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۰-۳۱)

مضمون برخی ازلالایی‌های شهرستان زرین دشت

مضمون لالایی‌های این منطقه با بقیه شهرهای استان فارس تقریبا"مشترک هستند؛برخی از این مضمون‌ها عبارتند از:

۱-آرزوها وآرمان‌های مادرانه درباره نیکبختی کودک و مهرورزی به او

الا،لالا،لالا خو میره بـــــره‌ام — به سروقت گل نـو میـره بـــره‌ام
شنیدم که گل نو بـــــار کرده — دو صد منزل به یک شو میره بره‌ام
لالا، لالا، لالایت می‌کنم مـن — علی گویـم و صـد سالـت کنـم من
لالایت می‌کنم که زنـده باشـی — غـلام حضـرت معصـــومه بـاشـــی
غلام حضرت معصومه قـــــم — بمیره دشمنت تو زنـده باشـــی
بیو ننی برو تـــــو راه دوری — کـه تـا بره‌ام کنـه خـواب صبـوری
صبوری اومد و من ناصبـــورم — تو درخـواب خوشـی من درتـنـورم
بخواب لالا بکن خوابت می‌یایه — امیـر المـؤمنـین یـادت مـی‌یـــایه
امیرالمؤمنین قربـون نامـت — خودم جارو کش و رودم غلامت
لالا، لالا، لالایت می‌کنم مـن — دو تا زنگل به پایت می‌کنم من
دو تا زنگل شیرازی عزیـــزم — کنم پایت بری بازی عزیـــزم
الا،لالات کنم دشتی به دشتی — برای بره‌ام بگیرم کره اسبـــی
لالایت می‌کنم من تا بمانی — بری شاه نجف قرآن بخوانـــی
لالایت می‌کنم تا تو بمانـی — به غیر از تو نمی‌خوام زندگانـی
لالا،لالا گلـــم باشـــی — بزرگ شـــی همدمـم باشـی
لالا،لالاتو پیرش کـــــن — خـط قرآن نصیبـــش کـــن
لالا، لالاعزیز ترمه پوشم — کجا بردی کلید عقل و هوشم

(مطالب فوق توسط نگارنده جمع آوری شده است)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

۲- ناله و شکوه وشکایت‌ها

ناله و شکوه و شکایت از روزگار و ستم‌های زمانه و رنج‌های ناگفتنی و سوزنده در لالایی‌ها به حد وفور به چشم می خورند.به ویژه رنجی که جامعه چند همسر گزینی دور از رعایت عدالت بر زنان تحمیل می‌کرده است. رنج‌هایی که مهربانی‌ها را می‌بریده و پس از مدتی موجب بروز شکاف‌های عمیق در خانواده می‌شود. (همایونی، ۱۳۷۱: ۶۴)که در این منطقه هم این مضمون در لابه لای لالایی‌ها دیده می‌شود.مانند

الالا،لالا نه نه بسی — درم کردی درا بستی
سبو دادی به او رفتم — سر چشمه به خو رفتم
نونم دادی لتی لتی — آبم دادی تو شربتی
دو ترک آمدبه ترکستان — مرا بردن به هندوستان
گتم کردن به صد نازی — جهاز دادن دو جمازی
محمد نام پسر دارم — صنم سلطان دختر دارم
محمد نام به خو رفته — صنم سلطان به او رفته
لالایت می‌کنم تا ماه بزنه — چش دشمن بره ام مار بزنه
لالایت می‌کنم تا سن پیری — بزرگت می‌کنم دستم بگیری
بزرگت می‌کنم با خوار و زاری — که شاید شیر مادر جا بیاری
عزیز کوچکم رفته به بازی — به پای کوچکش بشکسته خاری
برم شیراز جراحی بیارم — طلا منقاش کنم خارش درآرم
الا،لالا که لالایت می‌یایه — خدا نالم که بابایت بیایه
عزیز کوچکم سرخو گرفته — رخ مهجر به گرد رو گرفته
بیارید آب گل دستش بشورید — که دستش بوی تنباکو گرفته
زنی که بچه داره، ناز داره — مثال کبک کوه آوازه داره
برای خاطر یک طفل شیری — همیشه بند یقه باز داره
لالا، لالاگل هرگل — سر دشمن به زیر گل
لالا، لالا گل پسته — بابات بار سفر بسته
بچم آروم نمی‌گیره — شدم از دست او خسته
لالا، لالا گل آبی — چرا امشب نمی‌خوابی

۳-دعای سلامتی فرزند و آرزوی بزرگ شدن وی و بهره مند شدن از عمر دراز

لالا، لالا به گهواره به‌بی من — خدا جونت نگه داره به‌بی من
الا، لالات کنم گل خو بگردی — دعا جونت کنم بی‌تو بگردی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

گلم لالا، لالا، لالا، لالا کـــن — به امید خدا برەام لالا کـــن
الا، لالا، لالا خواب خوش آیه — تب و درد به بم کوەها کشایه
لالا، لالا، لالا رود عزیـــزم — خداوندا نگـــه داره عزیـــزم
خداوندا به حق صبر مختـار — به حق فاطمه، حیدر کـــرار
عزیز کوچک من را نگه دار
بیا ننی بـرو حمـار و حمـــــار — عزیـز من نگیره درد و بیمـار
عزیز کوچکم الله بـه یـــــارت — شبمبو در بغل، گل در کنارت
شبمبو بو می‌ده بوی عزیـــزم — غریبی می‌کنه جبری به بارم
الا، لالات کنم گل خو بگردی — دعا جونت کنم بی‌تو بگردی
لالا، لالا، لالا، لالا عزیـــــزم — قد و بالای عزیزم گل بریـزم
قد و بالای عزیزم ترکه‌ی نـی — گرفته بار بندر می رود؛مـــی
لالایت می‌کنم خو می ره برەام — به مکتب خانه‌ی نو می‌ره برەام
لالایت می‌کنم که بی‌بلا بیـد — خودت ملا، قلمدونت طـلا بید
لالا، لالا، لالای بور نـــازی — خدا بر تو بـده عمـــر درازی
الـــهی و الـــهی والـــهی — ببستم ننی و گویم لالایـــی
لالا، لالات کنم تا تو بمانی — من از هجر تو کـردم باغبانـــی
لالا، لالا، لالای خواب خرگوش — نشه زنگ کرنگی برەام خاموش
لالایت می‌کنم هر روز و هر روز — بزرگت می‌کنم صد عید نوروز
لالایت می‌کنم شالا بمونی — من از هجر تو می‌رم باغبونی
لالایت می‌کنم خواهی‌نخواهی — به قربانت کنم هر چی بخواهی
به قربانت کنم ای جان شیرین — از آن ترسم بری جانم نخواهی
الا، لالا که لالات بی‌بلایه — نگهدار شب و روزت خدایه

٤-برقراری رابطه عاطفی با کودک

به دلیل عدم حضور همیشگی مردان زرین دشتی در خانه طبیعی است که کودک و مادر انس بیشتری با یکدیگر برقرار می‌سازند تا جایی که مادر در نبود شوهر، کودکش را همدم و مونس خود می‌داند.

الالالا گلـــــــــم بـــاشی — تو درمـــــون دلـــم باشـی
بمونـــــــی مونســـم باشی — بخوابی از ســـــرم واشـــــی
لالا، لالا گل نازم — زغم‌های تو بیمارم
تو را، دارم چه غم دارم — هزار شکرش به جا آرم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

لالا، لالا گلـــــم باشـــــی تسلای دلـــــم باشی
بخوابی از سرم واشی نمیری همدمم باشی
لالا، لالا گل هشت پر بخواب ای نازنین دلبر
لالا، لالا گلم باشی همیشه در برم باشی
لالا، لالا، حبیب من به درد دل طبیب من
لالا، لالا تو را دارم چرا از بی کسی نالم؟

۵-ترساندن کودک از لولوی صحرایی،توره وپلنگ

لولو موجودی مهیب، وهمی و خیالی است که می تواند کودک را با خود ببرد یا آزار دهد یا از آغوش و کنارمادر دور کند. گاهی که مادران از گریه و بهانه‌جویی فرزند به تنگ می‌آیند راه چاره را در ترساندن کودک می‌جویند و به لولو متوسل می‌شوند تا مگر کودک آرام گیرد.(همان: ۹۷)

الا، لالا لولوی صحرایـــــی برو بره‌ام چه می‌خواهی لالایی
که بره‌ی من پدر داره لالایی خدا بالای سر داره لالایـــــی
الا، لالا بکن که توره اومـــد صدای خش‌خش همونه اومد
نه نه‌ی توره می‌ره گله‌گذاری چه کار توره بدبخـــت داری
الا،لالا گل‌لالـــــــــــه پلنگ در کوه می‌نالـــــه
نه بز می‌خاد نه بزغالـــــه بـــــرای رود می‌نالـــه

٦-مانند کردن کودک به گل‌های گوناگون، فراگیرترین مضمون لالایی این شهرستان است. که معمولاً در بقیه شهرهای همسایه این شهرستان این‌گونه تشبیه در لالایی‌ها دیده می‌شود.

لالا،لالا گل قنـــدم عزیز و رود دلبنـــدم
مکن گریه، مکن ناله به قنـداغت نمی‌بـندم
لالا، لالاگل مایـــی بیامد خونمون دایـــی
خداوند از بـلا دارد به بستـان نوگل مایی
لالا،لالا گل باغ بهشتم برای بابایت نامه نوشتم
لالا،لالا گل بـــــادم سیاه چشمم بگیـر آروم
لالا،لالا گل هشت پر بخواب ای نازنین دلبـــر
لالا، لالا گلم باشـی همیشه در برم باشـــــی
لالا،لالا گل گینـــه باباش رفته زنی گیـــره

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

لالا،لالا گل فنـــدق　　بواش رفته سر صنـــدق
لالا،لالا گل نـــازم　　زغم‌های تو بیمـــارم
تو را دارم، چه غم دارم　　هزار شکرش به جـــا آرم
لالا، لالا گل پستـــه　　بابات رفته به گل دستـــه
بچم آروم نمی‌گیـره　　شدم از دست او خستـــه
لالا، لالا گل گنـــدم　　برت گهواره می‌بنـــدم
اگر امر خدا باشـــه　　کـــه گهوارت طلا باشـه

۶-از دریچه لالایی‌ها می‌توان به خانه دل مادران راه یافت و بخشی از اندیشه‌های درونی آنها را باز شناخت. نزدیکی مادران ایرانی به خانواده خود، در سنجش با خانواده‌ی همسر و دلبستگی آنها به نزدیکان خانوادگی خویش، در لالایی‌ها نیز به روشنی باز تابیده است. از همین رهگذر است که خاله و دایی بسیار بیش‌تر از عمه و عمو، در لالایی‌های ایرانی تکرار شده‌اند. (نجف زاده بار فروش، ۱۳۷۵: ۲۹)این موضوع در لالایی‌های این منطقه به ویژه در شعرهای ترک زبانان بیشتر دیده می‌شود:

لالای دیرم اوخین گله　　ایراغ یلدم دایی گله(لالا میگم بابات بیا /از راه دور دایی گله)
لالای دیرم لالاینگ گله　　ایراغ یلدن دازینگ گله(لالای میگم لالات بیا/از راه دور خالت بیا
لالا، لالا گل مایی　　بیامد خونمون دایی
خداوند از بلا دارد　　به بستان نوگل مایی
لالا، لالا، لالا بره‌ی برارم　　شبا گهواره و روا کنارم

ویژگی‌های لالایی‌های این شهرستان

لالایی نخستین گام آشنایی کودک با شعر و موسیقی است.

لالایی‌ها در زمان‌های بسیار دور پدید آمده‌اند؛ اگر بگوییم همزاد بشرند، یاوه نگفته‌ایم. زیرا این آوازهای شیرین، ناب‌ترین و زلال‌ترین پیوندهای مهر ورزی مادر و کودک را باز می‌تابانند و این مهر ورزی‌ها، بی‌هیچ گمانی، از نخستین کودک و نخستین مادر آغاز شده، در جویبار زمان جاری شده و تا به امروز پیش آمده است.

آنچه لالایی‌ها را از اشعار دیگرجدا می‌کند وآنها را در گونه‌ای دیگر جای می‌دهد، سرایندگان و شیوه سرایش آنهاست. لالایی‌ها را شاعران رسمی نسروده‌اند. مادران مهربان در لحظه‌های شور و شیدایی آفریده‌اند. (حسن لی، ۱۳۸۲: ۶۳)

لالایی‌های این شهرستان بیشتر در بحر هزج سروده شده است مانند لالایی زیر :

لالا، لالا، لالا بره‌ی برارم　　شبا گهواره و روزا کنارم(مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

در میان لالایی‌ها که به مسائل اجتماعی می‌پردازند، موقعیت اجتماعی زن از مشخص‌ترین مضمون‌هایی است که به چشم می‌خورد و شاید بتوان علت را در این دانست که سازنده لالائی‌ها، عمدتا"زنان بوده‌اند و در این ترانه‌ها از وضعی که بدان‌ها تحمیل شده، گلایه می کنند.

ملاک مذهبی بودن یک لالایی که به نوعی از اعتقادات دینی گوینده لالایی می‌باشد. این اشاره ممکن است یک دعا و می‌تواند نام ائمه و اولیای دین باشد. (عمرانی، ۱۳۸۱: ۴۶)

لالایی این شهرستان هم از این ویژگی خالی نیست مانند:

الالا، به لالاتم لالایـــــی	کنیز دست باباتم لالایـــی
خدا بابات نگه داره لالایـــی	غریبم حرمتم داره لالایـــی
بخواب لالا بکن خوابت می‌یایه	امیر المومنین یادت می‌یایـه
امیرالمومنین قربان نامـــــت	خودم جارو کش و بره‌ام غلامت
لالا، لالا تو پیرش کن	زیارت‌ها نصیبش کن
خداوندا تو پیرش کن	خط قرآن نصیبش کن
لالایت می کنم من، تا بمانی	بری شاه نجف قرآن بخوانی

نوازش دختر و پسر

مادر همین که فرصتی پیدا کند، نوزادش در آغوش می‌گیرد و به او شیر می‌دهد و با خواندن ترانه‌های ساده و عبارات موزون به نوازش او می‌پردازد و خستگی‌ها را از جان خویش و فرزندش خارج می کند.

در حقیقت ترانه‌های مادر موسیقی مورد علاقه نوزاد است که فقط یک مادر می‌تواند آن را آهنگ‌سازی کند.

کلماتی که مادر برای نوزاد دختر می‌خواند از همان ابتدا نقش مادری و زن بودن را به او می‌آموزد. مانند

دختر گل است و لاله	دختر عروس خاله
خاله خبر نداره	این طور عروسی داره

دخترم گمپ گلم، ایل عرب ریخته سرم، هر چه باباش کار کنه، می‌شه جهازدخترم

دختری دارم آلاله	صبح تا پسین دلاله
هر چه می گم نمی دم	میره و می‌یاد دوباره
لالا،لالا دیرم قزم یاتا	بییک اول ورم تاته(لالا،لالا میگم دخترم بخوابه/بزرگ بشه بدمش به تاجیک)
لالا، لالادیرم قزم یاته	بی‌گله تاپویاپا (لالا، لالا میگم دخترم بخوابه/ بزرگ بشه نون بپزه)

در برخی از لالایی‌های این منطقه، شعرهایی که برای نوزاد پسر و دختر خوانده می‌شود با هم تفاوت دارد و می‌توان چنین استنباط کرد که پسر از ارزش بیشتری برخوردار بوده است. مثلا وقتی خانواده‌ای منتظر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

تولد فرزند پسر بود ولی دختری متولد می‌شد مادر در چنین مواقعی در خانواده سنتی مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت؛ بنابر این درد دلش را در پای گهواره خالی می کرد:

لالا، لالا عسل باشـــــی دلم می خواس پسر باشی
به هر مجلس که بنشینی تو جادار پدر باشـــــی
نه‌نه، نه‌نه ممدجواد همه نقلن، تو نبات
همه شیرن، تو شکر همه دختر، تو پسر
لالا،لالا اغلم یاتـــــــا بیی گله تفنگ آته
(لالا،لالاپسرم خوابش بگیره/ بزرگ بشه تفنگ بندازه)
لالا،لالاجگر گوشم لالا،لالا عزیز قوشوم
(لالا،لالابگم جگر گوشم /لالا،لالابگم پرنده من)
لالا،لالا اومی سرپرستیم اومی خر زهره چوبدستی
(لالا،لالا سرپرستم شوی/عصای دستم شوی،بلا نبینی)
لالا،لالا دیرم بیی اولی باجی صنه واسطه اولی
(لالا،لالا گفتم بزرگ بشی/واسطه خواهرت بشوی)
لالا،لالالای کاکا جانم گگر چینم لالا،لالالای صبر سیارم
(لالا،لالالای مثل کبوتری/مثل سیاری و صبر داشته باشی)

و این نوع شعرها از نظر اجتماعی ارزش پسر را در بینش مردم مشخص می‌کند چون این پسر است که می‌تواند نسل پدر را تداوم بخشد و نگه دارد. چیز دیگری که شاهد آن هستیم این است که مادران برای نوزادان پسر دلگرمی بیشتری دارند و با شادی بیشتری برای او لالایی می خوانند.به گهواره او نمک و دعا و زاغ آویزان می‌کنند در صورتی که گهواره دختران آن‌چنان اهمیتی ندارد و خیلی فقیرتر است. این هم ظلمی دیگر است که به دختران به علت دختر بودن در جامعه های سنتی می‌شود.

نتیجه گیری

لالایی‌ها سخنی موزون و آهنگدار است که مادر برای فرزندش زمزمه می‌کند و او را در خواب خوش فرو می‌برد.این کلمات ساده و حرفهای بی‌پیرایه‌ای است که بیان‌کننده درد و دل‌های مادرانه و عادیترین موضوع‌های خودمانی و ذوقی زندگی است. چون از زبان مادر جاری می شود با جوهر عشق و احساس همراه است؛ که کودک را می‌نوازد ودر جان او اثر می‌کند و او را آرام آرام در خوابی راحت و عمیق غرق می‌سازد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

در میان لالایی‌ها که به مسائل اجتماعی می‌پردازند،موقعیت اجتماعی زن از مشخص‌ترین مضمون‌هایی است که به چشم می‌خورد و شاید بتوان علت را در این دانست که سازنده لالائی‌ها، عمدتاًزنان بوده‌اند و در این ترانه‌ها از وضعی که بدان‌ها تحمیل شده، گلایه می کنند.

آنچه لالایی‌ها را از اشعار دیگرجدا می کند وآنها را در گونه‌ای دیگر جای می‌دهد، سرایندگان و شیوه سرایش آنهاست. لالایی‌ها را شاعران رسمی نسروده‌اند.مادران مهربان در لحظه‌های شور و شیدایی آفریده‌اند.

کودک با گوش سپردن به لالایی‌ها، نخستین آگاهی‌ها و دانستنی‌ها را درباره‌ی محیط پیرامون و زندگی با بیان مهربان و گرم از زبان مادر می‌آموزد و کم کم، با رنگ‌ها، آواها، پدیده‌ها و آدم‌ها خو می گیرد. به این ترتیب کودک چگونگی بیان واژگان و آهنگ موسیقیایی زبان مادری را به آگاهی می‌سپارد و کام و زبان او نیز رشد می کند و پرورش می‌یابد. (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۰)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

فهرست منابع و مآخذ

۱- انجوی، سید ابوالقاسم و محمود ظریفیان. (۱۳۷۹). گذری بر فرهنگ مردم. شیراز: نوید.

۲- احمدپناهی، محمد. (۱۳۸۳). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. تهران: سروش.

۳- جمالی، ابراهیم. (۱۳۸۷). لالایی در فرهنگ مردم ایران. تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

۴- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۲). «لالایی‌های مخملین؛نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستانو بلوچستان، سال اول،ص۶۳.

۵- عمرانی، سیدابراهیم. (۱۳۸۱). لالایی‌های ایران، کرمان، فارس، خراسان، مازندران، آذربایجان. تهران: پیوند نو.

۶- محمدی، محمدهادی و زهره قایینی. (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات کودکان ایران. تهران: چیستا.

۷- معین، دکتر محمد. (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، جلد سوم.

۸- نجف‌زاده بارفروش، محمد باقر. (۱۳۷۵). لالایی‌های ایرانی. تهران: روجا.

۹- همایونی، صادق. (۱۳۹۱). زنان و سروده‌هایشان در گستره فرهنگ مردم ایران زمین. تهران: گل‌آذین.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]